

فعالیت‌های سیاسی شاپور بختیار در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران (با تکیه بر اسناد و مطبوعات)

فرشته جهانی^۱ / سیاوش یاری^۲

چکیده

شاپور بختیار از جمله چهره‌هایی بود که با وجود برخورداری از موقعیت‌های ممتاز در دوران پرفراز و نشیب حیات خویش، همچنان برخی از جنبه‌های زندگی خصوصی و عملکردش ناگفته و در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. نمونه آن را می‌توان در فعالیت‌ها و اقدامات وی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جستجو کرد. هدف مقاله حاضر توصیف و تبیین اقدامات او برای نابودی جمهوری اسلامی است. سوال اصلی مقاله آن است که شاپور بختیار بعد از خروج از ایران در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران چه اقداماتی انجام داد؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اقدامات بختیار طی چندین مرحله به وقوع پیوست. زمینه‌چینی برای هرج و مرج و آشوب در ایران به‌ویژه مناطق مرزی، تخریب لوله‌های نفت خوزستان، ایجاد رعب و وحشت در تهران از طریق انفجارهای متعدد، راه‌اندازی نشریات، مجلات و ایستگاه‌های رادیویی، پخش اعلامیه علیه جمهوری اسلامی، همکاری با مخالفین جمهوری اسلامی مانند رژیم بعث عراق و کردهای مخالف از جمله نتایج این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: شاپور بختیار، انقلاب اسلامی، آمریکا، خوزستان، جنگ تحمیلی، کودتای نوژه.

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی و مدرس مدعو گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده

مسئول) fereshtejahani65@gmail.com

۲. دانشجویار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. s.yari@ilam.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ نوع مقاله: پژوهشی

Shapour Bakhtiar's political activities in the years after Islamic Revolution of Iranian (based on documents and the press)

Fereshteh jahani^۱

Siavash yari^۲

abstract

Shapour Bakhtiar was one of the figures who, despite having privileged positions during the ups and downs of his life, some aspects of his private life and performance are still unsaid and placed in an aura of ambiguity. An example of this can be found in his activities and actions after the victory of the Islamic Revolution. The purpose of this article is to describe and explain his actions to destroy the Islamic Republic. The main question of the article is what actions did Shapour Bakhtiar take after leaving Iran in the face of the Islamic Republic of Iran? It is a descriptive-analytical research method and a method of collecting library information. The findings of the research show that Bakhtiar's actions took place in several stages. Laying the groundwork for chaos and anarchy in Iran, especially the border areas, destroying the Khuzestan oil pipelines, creating terror in Tehran through multiple explosions, launching publications, magazines and radio stations, broadcasting leaflets against the Islamic Republic, cooperating with the opponents of the republic. Islamic like the Baath regime of Iraq and the opposition Kurds are among the results of this research.

Keywords: Shapour Bakhtiar, Islamic Revolution, America, Khuzestan, imposed war, Noje coup.

۱. PhD in Iranian Islamic History and Visiting Lecturer in the Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran (corresponding author)

۲. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran

مقدمه

در حوزه علوم انسانی تألیف آثار تاریخی مشکلات و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و ساختن تصویری از گذشته که اکنون در دسترس مورخ نیست و صرفاً با اتکای به مدارک و منابع به‌جای‌مانده از وقایع، دست به بازسازی گذشته می‌زند کاری طاقت‌فرسا و سنگین است. در میان آثار تاریخی بررسی زندگی شخصیت‌هایی که اقدامات و تصمیمات آنان در زندگی مردم معاصر ما تأثیرگذار بوده است به‌مراتب سنگین‌تر و پیچیده‌تر است. علاوه بر دسترسی محدود مورخ به منابع و داده‌های تاریخی حاکمیت ارزش‌ها بر اندیشه مورخ از یک‌سو و قضاوت‌ها، موافقت‌ها و مخالفت‌ها با آن شخصیت موردپژوهش از سوی دیگر تحقیق و تفحص در این وادی را سخت‌تر می‌کند. در این پژوهش بر آن هستیم تا به یکی از شخصیت‌های مهم در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بپردازیم: شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم شاه.

اعلام بی‌طرفی ارتش در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و به دنبال آن پیروزی انقلاب اسلامی عملاً رژیم پهلوی و دولت شاپور بختیار را به سقوط کشاند. اما این به معنای پذیرفتن شکست نبود. بختیار شش ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این نتیجه رسید که همه‌چیز به‌سرعت در حال تغییر به نفع انقلابیون است، بنابراین تصمیم گرفت از راه دیگری خواسته‌های خود را عملی کند. بختیار با جاه‌طلبی سیاسی قابل‌ملاحظه‌ای که داشت بر آن بود نهضت مردمی را متوقف ساخته و ملت را از راهی که در پیش گرفته بودند، مأیوس سازد.

درباره‌ی چگونگی خروج بختیار از کشور روایت‌های گوناگونی وجود دارد. هرچند وقت یک‌بار شایعاتی در خصوص دستگیری و کشته‌شدن وی در روزنامه‌ها بازتاب می‌یافت. بختیار در فروردین ۱۳۵۸ به این شایعات پایان داد و خروج خود از ایران به مقصد فرانسه را به کمک تغییر چهره و پاسپورتنی جعلی اعلام کرد. فرانسه از نظر بختیار برای تبعید جای

مطلوبی بود؛ پسر بزرگش اقامت پاریس داشت، زن او فرانسوی بود و از سوی دیگر زمانی که در فرانسه دانشجوی بود به‌عنوان داوطلب خارجی ارتش فرانسه در جنگ جهانی دوم در راه این کشور از خودگذشتگی کرده بود. رفتن شاپور بختیار به پاریس را باید نقطه آغاز تلاش‌های او علیه جمهوری اسلامی دانست. در اینجا این سؤالات مطرح است؛

-شاپور بختیار به‌رغم فقدان پایگاه مردمی، با چه ابزارهایی و چگونه می‌توانست امور مملکت را مجدداً به دست گیرد؟

-اقدامات شاپور بختیار برای نابودی جمهوری اسلامی شامل چه مواردی بود؟ و این اقدامات چه نتایجی در پی داشت؟

پیشینه پژوهش

درباره زندگی و کارنامه شاپور بختیار بسیاری از پژوهشگران به ۳۷ روزی توجه نشان داده‌اند که شاپور بختیار پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نخست‌وزیر ایران بود، اما در زمینه فعالیت‌های سیاسی وی علیه جمهوری اسلامی بعد از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هنوز پژوهشی مجزا و مستقل نوشته نشده است. گویا یکی از اصلی‌ترین دلایلی که پژوهشگران در آثار خود زندگی شاپور بختیار را به دوران نخست‌وزیری و قبل از آن خلاصه می‌کنند، عدم دسترسی به منابع آرشیوی است. در یکی از جدیدترین پژوهش‌ها در مورد زندگی شاپور بختیار با عنوان «پرواز در ظلمت» اثر حمید شوکت که در ۱۳۹۲ منتشر شده آمده است: زندگانی سیاسی بختیار در سال‌های پس از انقلاب جزو مطالب این کتاب نیست، دلیل این امر بیش از هر چیز در دسترس نبودن اسناد و مدارک لازم است. حقیقت آن است که در بحث حیات سیاسی بختیار به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی رسیدن به جواب قطعی برای علل برخی اقدامات او بسیار دشوار و حتی گاهی غیرممکن است. یکی از دلایل اصلی و پراهمیت آن اقدامات ضدونقیض شاپور بختیار در طول چهل سال فعالیت سیاسی و اجرایی است. زمانی

طرح او خروج از کشور است و در لحظاتی، تغییر رژیم سلطنت به جمهوری را می‌طلبد و می‌خواهد رئیس‌جمهور شود. چهره‌ای بود که هم در نامه سه‌امضایی و هم در شرایط هفت‌گانه‌اش نگران آزادی‌های مردم و سلامت آنها بود، اما در بجنوبه انقلاب اسلامی دستور بمباران مراکز پرجمعیت شهر را می‌داد و بعد از فرار از ایران تبدیل به رهبر کودتا علیه ایران شد. از این نظر باید شاپور بختیار را یکی از شخصیت‌های پیچیده در تاریخ معاصر ایران به شمار آورد. در سال ۱۳۶۸ به کوشش مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی کتابی با عنوان «کودتای نوژه» منتشر شده است. نویسنده به صورت گذرا به برخی از فعالیت‌های شاپور بختیار در این کودتا پرداخته است. آثاری هم توسط پژوهشگران غیرایرانی درباره ماجرای نوژه نوشته شده است که از آن جمله می‌توان کتاب «کودتای ایرانی، ۲۸ مرداد، قرنی، نوژه» نوشته مارک گازیوروسکی را نام برد. در این کتاب نویسنده نگاهی متفاوت به ماجرای نوژه دارد و ابعادی چند از آن را تحلیل و روایت می‌کند. مقاله «بختیار در آیین اسناد تازه‌آزادشده در آرشیو ملی» نوشته مجید نفرشی که در ۱۳۹۰ منتشر شده است، اثری ارزشمند است که با دسترسی به برخی از منابع آرشیوی در انگلیس پرده از همکاری شاپور بختیار با صدام حسین برمی‌دارد. این آثار از جمله منابع مهمی هستند که برای مقاله پیش‌رو کاربردی بوده‌اند. در این موضوع همچنان نکاتی مغفول و ناگفته وجود دارد که می‌بایست بازگو شود. نوشته حاضر درصدد است گام‌هایی در این زمینه بردارد.

۱. نخستین تکاپوها بعد از خروج از ایران

شاپور بختیار ابتدا فعالیت سیاسی خود را در آپارتمانی که از طرف پلیس فرانسه حفاظت می‌شد در محله نیولی^۱ پاریس آغاز کرد (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۴ / ۶۱۵). در

پاریس مخالفان ایرانی تحت رهبری اسمی بختیار، نام «اتحاد ملی» را برای خود گذاشتند و یک نشریه فارسی به نام «امه» به‌طور هفتگی منتشر کردند. طبق اسناد به‌دست‌آمده این گروه با کارکنان رادیو تلویزیون ملی ایران تماس نزدیک داشتند و گاهی توانسته بودند سخنرانی‌های امام خمینی را قطع کنند. قصد آنان خرابکاری در برنامه‌های سیاسی و مذهبی بود (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۴/۶۳۶). بختیار تا مهر ۱۳۵۸ نمی‌توانست بازیگر صحنه سیاسی ایران باشد. یک سند لانه جاسوسی با طبقه‌بندی «خیلی محرمانه» و به تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۳ مهر ۱۳۵۸) با ناامیدی اعلام می‌کند: «هرچند بسیاری از تبعیدی‌ها دلشان می‌خواست رژیم را سرنگون کنند ولی آنها ظاهراً علی‌رغم کوشش‌های شاپور بختیار فاقد هماهنگی و سازمان هستند» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۱/۳۴۱). شاپور بختیار در ۲۷ مهر ۱۳۵۸ محرمانه به نماینده آمریکا می‌گوید: اگر آمریکا در این مسیر به او کمک نکند، احتمالاً به کشورهای عرب خلیج فارس رو خواهد آورد. با وجود این، آمریکا نه تنها حمایتی از بختیار انجام نداد بلکه در پیامی اعلام کرد در موقعیتی نیست که بخواهد از او پشتیبانی کند (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۴/۶۰۶-۶۰۷). شاپور بختیار پس از ناکامی از دریافت حمایت‌های مادی از آمریکا به دولت آن کشور پیشنهاد محاصره اقتصادی ایران را داد. وی در مصاحبه‌ای با مایکل فیلد خبرنگار روزنامه دیلی تلگراف چاپ لندن گفته بود: رئیس‌جمهوری آمریکا باید فروش گندم، برنج و دیگر مواد غذایی به ایران را متوقف کند و ایران را در محاصره اقتصادی قرار دهد (اطلاعات، شماره ۱۵۹۹۶، ۱۶ آبان ۱۳۵۸، ۱۲).

فقدان منابع مالی مانع کار مخالفان جمهوری اسلامی بود. برای حل این مشکل بختیار در ابتدا یک حساب بانکی در پاریس افتتاح کرد و از ثروتمندان ایرانی خواست که به تشکیلات وی کمک کنند. در بهمن ۱۳۵۸، شش کیلو طلا قرار بود به دست شاپور بختیار برسد اما در فرودگاه ایران توقیف شد (اطلاعات، شماره ۱۶۰۵۵، ۱ بهمن ۱۳۵۸، ۲). افزون بر این، بختیار

در تلاش برآمد تا در سوئد، آلمان، سوئیس، انگلستان و فرانسه تشکیلاتی را دایر کند (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۴ / ۶۲۴).

بختیار در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی حتی در تدارک برگشتن به ایران برمی‌آید (اطلاعات، شماره ۱۵۹۱۹، ۱۰ مرداد ۱۳۵۸، ۲). او تا آن اندازه به برگشتن به ایران امیدوار بود که می‌گفت: «امام برای آمدن به ایران منتظر شد تا شاه کشور را ترک کند اما من منتظر نخواهم شد که او بمیرد و آنگاه به ایران مراجعت کنم» (مراسان؛ ش. بازیابی ۵۷۲۳: ۴). بختیار برای تسریع در اقدامات خود، تعداد صد هزار نوار کاست شامل مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود را به‌وسیله «جواد علامیر دولو قاجار» مفسر رادیو و تلویزیون و «علی عباسی» تهیه‌کننده فیلم‌های فارسی و «فریبرز عباسی» فرزند سرتیپ عباسی و «داریوش جهانبانی» تهیه‌کرده و «حسن عرب» را مأمور توزیع و تکثیر آنها از طریق مرزهای غربی و جنوبی کرده بود (مراسان؛ ش. بازیابی ۵۷۲۳: ۷-۸). محتوای بسیاری از نوارها این بود که مملکت در حال متلاشی‌شدن است و در انزوا به‌سر می‌برد. برای نمونه در بخشی از مصاحبه وی با روزنامه تایمز- لندن ۴ فوریه ۱۹۸۰ آمده است: «من باید چند ماهی صبر می‌کردم تا مردم به تجربه دریابند که [امام] خمینی قادر به هدایت کشور و برقراری امنیت و شکوفایی مملکت نمی‌باشد و امروز بر همگان روشن شده است که [امام] خمینی هر روز در اجرای امور مملکت شکست‌های پی‌درپی می‌خورد» (مراسان؛ ش. بازیابی ۵۷۲۳: ۴). بختیار در تلویزیون و رادیو فرانسه و همچنین بعضی جراید، تبلیغات مسموم‌کننده، ناروا و دروغی به جمهوری اسلامی نسبت می‌داد. این عامل باعث اعتراض رسمی ایران به فرانسه شد (امیرعلائی، ۱۳۶۲: ۲۹۸). بختیار هزینه‌های دو روزنامه فریاد آزادی و نامه روز را که توسط «هوشنگ نهاوندی» و جواد دولو علامیر قاجار علیه جمهوری اسلامی چاپ و پخش می‌شد برعهده گرفت (مراسان؛ ش. بازیابی ۵۷۲۳: ۲). روزنامه نامه روز در هشت صفحه منتشر می‌شد. دو هزار آبونه در تهران و پنج هزار در کشورهای مختلف اروپا داشت (امیرعلائی،

۱۳۶۲: ۳۰۲). نگاهی به اقدامات شاپور بختیار و سیر حوادث این دوره نشانگر درک سطحی و نادرست وی از ماهیت انقلاب اسلامی و فهم ناقص وی از باورها و اعتقادات مردم و ریشه‌های این انقلاب در عمق این عقاید و باورهاست. شاید وی چنین پنداشته است که تغییرات تنها به رفتن تعدادی افراد و آمدن افراد دیگری است. البته آمریکا و دیگر کشورهای غربی هم هنوز درک درستی از تحولات ایران نداشتند و امیدوار بودند که با نظام سیاسی جدید در ایران کنار بیایند. این عوامل باعث شد که تلاش‌های افرادی همچون بختیار در این دوره و مرحله ناکام بماند.

۲. تلاش بختیار برای ایجاد آشوب و هرج و مرج در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی برداشت‌های اشتباه از وضعیت کشور توسط مخالفان سبب شد بختیار برای راه‌اندازی توطئه‌هایی علیه جمهوری اسلامی مصمم‌تر شود (غضنفری، ۱۳۸۰: ۱۶۳). وی در نیمه دوم اسفند ۱۳۵۸ش حمله به خوزستان را در دستور کار خود قرار می‌دهد و برای رسیدن به این مقصود با ارتش عراق همکاری می‌کند (طالع، ۱۳۸۶: ۱۹۵). «ناصر رکنی» از عناصر مخالف جمهوری اسلامی به نقش بختیار در غائله خوزستان اشاره کرده و می‌گوید: «مرحله اول خوزستان بود که قرار بود با یک تهاجم گسترده هوایی و زمینی توسط عراق و مصر تصرف شده و به‌عنوان ایران آزاد اعلام و در اختیار بختیار قرار گیرد» (مراسان؛ ش. بازیابی ۴۴۰۷۵: ۴۶-۴۷). بختیار تلاش کرد توجه مخالفین تبعیدی از جمله رهبران کُرد را جلب کند. یکی از آنها «سردار جاف» نام داشت. سردار جاف، کُردی از خاندانی سرشناس در کرکوک بود. جاف پس از انقلاب توانست رابطه خوبی با دولت بغداد برقرار سازد. سیا در اواخر سپتامبر پذیرفت که هزینه پرواز او از بغداد به بُن را به‌عهده بگیرد، به شرطی که اطلاعات مورد نیاز را در اختیار این سازمان قرار دهد. جاف در این سفر (۱۳مهر ۱۳۵۸) با بختیار دیدار کرد (امری، ۱۳۹۷: ۳۰۶-۳۰۷). این رهبر کُرد یک ارتش کوچک ۱۵۰۰ نفره در

مرز ایران و عراق مجهز به مسلسل و تفنگ تحت اختیار خود داشت. مخالفان جمهوری اسلامی در صدد برآمدن گروهی از متخصصین نظامی را برای آموزش آنان بفرستند، چرا که این رهبر کُرد تصور می‌کرد پس از آنکه ارتش وی تعلیم یافت می‌تواند هم‌زمان در سرتاسر ایران یا حداقل در چند استان عملیات خرابکارانه صورت دهد. بختیار در مهر ۱۳۵۸ با اعضای بانفوذ چند گروه کُرد در پاریس مذاکراتی انجام داد و به این گروه‌ها اعلام کرد که اگر او به قدرت برسد به کُردها خودمختاری خواهد داد (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۳/۱۰۰). بختیار برای اینکه بتواند نفوذ گذشته خود را در ایران بازیابد، به کسب همراهی کُردها نیاز داشت. در این زمان مناطق کردنشین در اختیار حزب دموکرات کردستان و استان‌های باختران و ایلام به تصرف نیروهای پالیزبان درآمده بود.

مدارک و اسنادی چند دال بر همکاری رژیم بعث عراق، کُردهای مخالف جمهوری اسلامی و شاپور بختیار در تحریک و ناآرامی در خوزستان وجود دارد. برای اثبات این مدعا باید به گزارش «قدرت‌اله لطفی زنجانی» فرستاده امام خمینی در پاریس توجه کرد. در این گزارش آمده است: «در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۸، ارتشبد سابق غلامعلی اویسی و سپهبدان سابق ناصری و مبصر و چند تن از افسران ارشد سابق چندین جلسه محرمانه با بختیار تشکیل دادند. آنان با شخصی به نام حسن عرب به‌طور فشرده و مداوم در حال مذاکره بودند. حسن عرب عامل فساد و جاسوس مشهور خاورمیانه می‌باشد که تمام عملیات خرابکاری در خوزستان از محدوده ایلام و موسیان تا گچساران را اداره نموده و بودجه هنگفتی در اختیار دارد و اصولاً به محدوده و نقشه‌ها و مشخصات تأسیسات نفتی بسیار وارد است و دارای عوامل بسیاری است... این افراد در لوزان سوئیس در محلی به نام موتروز در ویلای شخصی اردشیر زاهدی اجتماع می‌کنند و مشغول ترتیب شورای نهائی با حضور شاپور بختیار و عده کثیری از سران و سرسپردگان رژیم سابق می‌باشند که مهم‌ترین و عظیم‌ترین جلسات آنها خواهد بود. این در حالی است که حسن عرب مرکز فعالیت خود را در عراق قرار داده و با کشورهای حوزه خلیج فارس آمدمورفت

بسیار دارد و فعلاً مشغول تشکیل جلسات مهمی در یکی از شهرهای مرزی ایران و عراق می‌باشد تا پس از جلسات نهایی منعقد در سوئیس در مورد اقدامات خرابکارانه خود تصمیم بگیرند» (مراسان؛ ش. بازیابی ۵۷۲۳: ۷-۸). به عقیده لطفی با توجه به ملاقات یکی از برادران «شیخ عزالدین حسینی» که همراه چند تن از سران کرد در پاریس با شاپور بختیار انجام شد، شاید شهر انتخاباتی نزدیک مرز کردستان باشد تا پس از بررسی‌های نهایی اجرای عملیات جنگ مسلحانه را با کمک و فرماندهی پالیزبان و تعدادی عشایر کرد ایرانی و عراقی علیه جمهوری اسلامی شروع نماید. بختیار در مصاحبه با چارلز داگلاس هیوم این عملیات را نوید داده بود. براساس این گزارش حسن عرب کاباره‌دار و مأمور ساواک در آبادان، از طرف بختیار برای زمینه‌چینی تجزیه خوزستان، مأمور خرابکاری لوله‌های نفت و انفجار قطار خرمشهر بوده است. او پول کلانی گرفته بود و با افرادی که عامل اجرایی این کار بودند در کشور کویت قرارداد بست. حسن عرب رابط بین بختیار و پالیزبان در عراق بود و روزنامه *آرا* یا *ارتش رهایی‌بخش ایران* را نیز اداره می‌کرد (مراسان؛ ش. بازیابی ۵۷۲۳: ۲). ناآرامی‌هایی که توسط بختیار و دیگر مخالفان جمهوری اسلامی صورت گرفت، موفقیت‌آمیز بود. در سال ۱۳۵۸ در غرب و جنوب ایران تا حد قابل توجهی زمینه مشارکت در یک توطئه خارجی فراهم بود (کودتای نوژه، ۱۳۶۸: ۱۰۷). کارشکنی بختیار برخلاف ادعای ناسیونالیستی وی بود. زمینه‌چینی برای تجزیه تنها به هرج و مرج در خوزستان محدود نشد، چرا که شاپور بختیار هم‌زمان در اندیشه تداوم توطئه در دیگر مناطق ایران از جمله مناطق بختیاری بود. بعد از انقلاب اوضاع برای برخی از رهبران لر، قشقایی... مناسب نبود. آنها منتظر لحظه‌ای مناسب برای ایجاد هرج و مرج بودند (استمپل، ۱۳۷۷: ۴۴۲). بختیار در کنفرانس مطبوعاتی اینترنتی هرنال تریبون در ۱۱ مرداد ۱۳۵۸ ادعا کرد با طرفداران خود در تهران و قبیله‌اش تماس دارد (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۴/۶۰۹). او به شناسایی و جذب گروه‌ها و دسته‌جات و چهره‌هایی پرداخت که در پی فرار خود به نحوی به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی روی آورده بودند؛ از جمله این افراد

ناصر و خسرو قشقائی بودند که می‌خواستند ایل بختیاری و ایل‌های دیگر را با خود همراه سازند.

از ناصر و خسرو قشقایی که در اندیشه رهبری قشقایی‌ها بودند به‌عنوان خریداران خاص تفنگ نام برده می‌شد، آنان نزدیک به ۲۵۰ هزار اسلحه انبار کرده بودند. سفارت آمریکا طبق گزارش خود در ۲۲ خردادماه ۱۳۵۸ این مطلب را تأیید کرده است: «بختیاری‌های استان اصفهان و استان چهارمحال و بختیاری و قشقایی‌های استان فارس اقدام به خرید سلاح در حجم زیاد کرده‌اند... تصور می‌شود که آماده‌اند تا از بازگشت شاپور بختیار حمایت کنند» (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۱۰/۴۶۹). خسرو قشقائی در ایران با نام مستعار اس. دی. راتر با اهرن مأمور سیا تماس داشت (کودتای نوژه، ۱۳۶۸: ۴۲). شاپور بختیار به خسرو قشقایی اطمینان داده بود که قادر است پول موردنیاز وی را جهت انجام کودتا علیه جمهوری اسلامی ایران تأمین کند. موضوعی که اسناد لانه جاسوسی بر آن مهر تأیید زده است: «با توجه به ضعیف شدن دولت موقت و مخالفت پنهانی با جمهوری اسلامی علی‌رغم حمایت ظاهری، قشقایی درصدد بود تا با سران مختلف سیاسی و نظامی در جنوب ایران دست به یک سری اقدامات براندازی بزند... اما قشقایی پاسخی به این پیام بختیار نداده چون فکر می‌کند جنبش بختیار جنبشی ورشکسته و روبه‌زوال است» (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۳۶۱/۶). در این دوره مخالفین تبعیدی در پاریس از نظر تشکیلاتی آشفته‌تر و بی‌نظم‌تر از آن بودند که بتوانند به‌طور جدی با انقلابیون مبارزه کنند. این توطئه شاپور بختیار اگرچه به نتیجه نرسید اما با توجه به وضعیت نه‌چندان مساعد کشور در آن مقطع در دسرهایی برای انقلاب به وجود آورد.

۳. نقش شاپور بختیار در کودتای نوژه

بختیار که فعالیت‌های ضدانقلابی خود را با حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب داخلی آغاز کرده بود، به پایه‌ریزی و سازمان‌دهی کودتایی به نام کودتای نوژه دست زد. از این دوره به بعد فعالیت‌های ضدانقلابی او وارد فصل تازه‌ای شد.

سرهنگ محمدباقر بنی‌عامری که اواخر ۱۳۵۵ از ژاندارمری بازنشسته شده بود، سرشاخه نظامی برنامه را برعهده گرفت. وی برای سازمان‌دهی و تدارک کودتا با افسران اطلاعات ارتش به گفت‌وگو پرداخت و توانست در اواخر تابستان ۱۳۵۸ گروهی را با خود همراه سازد (کیهان، شماره ۱۱۰۵۲۱، مرداد ۱۳۵۹، ۱). بنی‌عامری در شهریور ۱۳۵۸ در پاریس با شاپور بختیار برای طراحی و سازمان‌دهی عملیات به توافق رسید (گازیوروسکی، ۱۳۹۷: ۱۲۷-۱۲۸). طبق این قرارداد تأمین مالی کودتا بر عهده بختیار بود. او برنامه خود را طوری سازمان‌دهی کرد تا از هر دو طراح کودتا سرهنگ محمدباقر بنی‌عامری و سرهنگ عطاءالله احمدی، حمایت مالی انجام شود (امری، ۱۳۹۷: ۳۱۴).

شاپور بختیار با واسطه بازرگانی ایرانی به نام «منوچهر قربانی‌فر» فهرستی از افراد ناراضی در میان نیروهای مسلح را تهیه کرد، این فهرست از طرف دفتر بختیار در اختیار رژیم عراق قرار گرفت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۲۷۴). همچنین به برخی از طوایف در کشور فراخوان داده شد تا در هفته‌های مانده به ۱۸ تیر، دست به شورش‌هایی گمراه‌کننده بزنند (کودتای نوژه، ۱۳۶۸: ۳۸ و ۱۵۷). مهم‌تر از همه شاپور بختیار و دو نفر از ژنرال‌های سابق ایران با رژیم عراق به توافق رسیدند که پایگاه‌های نظامی در عراق تأسیس کنند. در این پایگاه‌ها افرادی برای ایجاد آشوب در ایران آموزش می‌دیدند (اطلاعات، شماره ۱۶۱۷۱، ۱ تیر ۱۳۵۹، ۱۱؛ اطلاعات، شماره ۱۶۱۷۳، ۳ تیر ۱۳۵۹، ۱۰). روزنامه *الوطنی* چاپ پاریس نوشت: حدود ۲۵۰۰ ایرانی اخراجی طرفدار شاه و شاپور بختیار به کمک ۵۰۰ سرباز مصری و ۲۵۰ مشاور امریکایی و اسرائیلی در حال گذراندن دوره‌های چریکی در اردوگاهی در مصر هستند (کیهان، شماره ۱۱۰۶۰، ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، ۲). البته پیش از این اقدامات، تخریب‌هایی برای

ایجاد رعب و وحشت در ایران صورت می‌گرفت که بنا به گفته ابوالحسن بنی‌صدر عاملان آنها با شاپور بختیار در پاریس تماس داشتند (کیهان، شماره ۱۰۹۸۴، ۹ اردیبهشت ۱۳۵۹، ۲). در یک فقره از این انفجارها یکی از اعضای شاخه نظامی گروه بختیار همراه با ده عدد بمب‌دستی، یک عدد نارنجک دست‌ساز، مقدار زیادی اعلامیه‌های چریک‌های فدائی خلق و اعلامیه‌های چپی دیگر هنگام کار گذاشتن بمب در یکی از خیابان‌های تهران دستگیر شده بودند (اطلاعات، شماره ۱۶۱۳۹، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۹، ۲). هدف اصلی از تخریب و انفجار در نقاط مختلف ایران ایجاد جنگ روانی قبل از کودتا بود.

پول کودتای نوژه را دستگاه اطلاعاتی عراق فراهم کرد، اما در طرح‌ریزی آن مشارکت نداشت (امری، ۱۳۹۷: ۳۱۴-۳۱۵). بنا به گفته «منوچهر رزم‌آرا»، شاپور بختیار پنج بار به عراق رفت. بین شصت تا صد میلیون دلار از صدام کمک مالی گرفت به طوری که هر ماه دویست هزار دلار به حساب وی واریز می‌شد (الموتی، ۱۳۷۵: ۲۷۷). حمایت مالی صدام از بختیار یکی از پرانتقاداتترین بخش‌های کارنامه سیاسی اوست که در آن زمان حتی نزدیکانش بر آن واقف بودند. میرفندرسکی بارها به بختیار گفته بود: «این وزنه‌ای که به پای شما بسته شده این وزنه را بندازین دور» (نک: رادیو فردا، مورخ ۱۳۹۵: ۲۹ شهریور). افزون بر حمایت مالی، رژیم بعث عراق از راه‌های دیگری به شاپور بختیار یاری رساند. برای نمونه توانست یک فرستنده رادیویی به نام «رادیو ایران» در بغداد راه‌اندازی کند. «رادیو بغداد» از دیگر فرستنده‌هایی بود که روزی چند ساعت به زبان فارسی برنامه اجرا می‌کرد و صحبت‌های بختیار را بازتاب می‌داد (اطلاعات، شماره ۱۶۲۲۵، ۶ شهریور ۱۳۵۹، ۱۱). این دو رادیو بعدها در جنگ تحمیلی نقش عمده‌ای در فریب نیروهای مسلح ایران و موفقیت اولیه رژیم بعث داشتند (طالع، ۱۳۸۶: ۲۶۴). افزون بر این، شاپور بختیار و دو افسر سابق ارتش ایران توانستند برای برپا کردن پایگاه‌های نظامی در عراق با دولت آن کشور به توافق برسند (کیهان، شماره ۱۱۰۲۴، ۲۹ خرداد ۱۳۵۹، ۴). دولت عراق همچنین از طریق یک شرکت

کشتیرانی خارجی سلاح به دست کودتاگران می‌رساند (سرابندی، ۱۳۸۳: ۴۱). اسرائیل هم در این طرح مقدار زیادی پول و مهمات به کودتاگران کمک کرده بود (اطلاعات، شماره ۱۶۱۸۷، ۲۱ تیر ۱۳۵۹، ۹). کریستین امری در کتاب «سیاست خارجی آمریکا و انقلاب ایران» ادعا می‌کند که شاپور بختیار برای افزایش روحیه رهبران کودتا، به دروغ متوسل می‌شد. از جمله آنکه آمریکا از کودتای نوژه حمایت مادی و معنوی خود را انجام داده است (امر، ۱۳۹۷: ۳۱۵). اما با توجه به اینکه آمریکا هنگام آغاز کودتا دو ناو هواپیمابر و بیست و پنج ناو جنگی به خلیج فارس اعزام کرد و از سوی دیگر به بهانه برگزاری مانور تعداد زیادی هواپیماهای فانتوم به قاهره برد (اطلاعات، شماره ۱۶۱۹۱، ۲۵ تیر ۱۳۵۹، ۲). به نظر می‌رسد این کشور به صورت غیرمستقیم تحرکاتی از خود نشان داد تا برای هر اقدامی علیه ایران آمادگی داشته باشد.

بختیار کوشید بنی‌عامری را مجاب کند مجموعه بمب‌گذاری‌های غیرمرگباری درون ایران انجام بدهند تا در سایه آشوب و هرج و مرج، راحت‌تر بتوانند کودتا را پیش ببرند (گازوروسکی، ۱۳۹۷: ۱۲۹). همچنین وی از دو تن از دشمنان مصدق یعنی اسدالله رشیدیان و اشرف پهلوی یک میلیون دلار کمک گرفت (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶، ۴ / ۳۲۳). پذیرفتن حمایت مالی از دو تن از مخالفان سرسخت مصدق در ۱۳۵۸ به یکی از مهم‌ترین نقدهای مخالفانش تبدیل شد. دوستان بختیار کمک مالی صدام و دیگر مخالفان جمهوری اسلامی به بختیار را کتمان نمی‌کنند. این مسئله در تمامی سال‌های جنگ و حتی پیش از آن ادامه داشت (نک: رادیو فردا، مورخ ۱۳۹۵: ۲۹ شهریور).

از میان بردن امام خمینی یکی از مهم‌ترین هدف‌های کودتا بود. در نظر کودتاگران بمباران مدرسه فیضیه قم از اهمیت کمتری نسبت به دیگر پایگاه‌ها برخوردار بود (اطلاعات، شماره ۱۶۱۸۹، ۲۳ تیر ۱۳۵۹، ۲). بنا به گفته سرگرد جهانگیری یکی دیگر از جاهایی که قرار بود بمباران شود، کاخ سعدآباد بود. چون فکر می‌کردند تعدادی چریک فلسطینی در آنجا مستقر

است. دیگری کمیته مرکزی روبه‌روی حسینییه ارشاد که انبار مهمات بود. نقاط دیگر عبارت بود از پادگان لویزان که انبار مهمات در آنجا قرار داشت. دو باند چپ و راست پایگاه مهرآباد، برای اینکه از اینجاها هواپیماها نتوانند علیه کودتاگران به پرواز درآیند (کیهان، شماره ۱۱۰۴۴، ۲۳ تیر ۱۳۵۹، ۱۶). کودتاگران می‌خواستند در برخی دیگر از نقاط کشور هم دست به ایجاد اغتشاش و درگیری بزنند. طبق اعتراف کودتاگران آنان برای رسیدن به مقصد خود می‌بایست جان هزاران نفر را به خطر بیندازند و با یک کشتار میلیونی رعب و وحشت را در سراسر کشور ایجاد کنند. این اقدامات در حالی بود که شاپور بختیار طی مصاحبه‌ای گفته بود این افسران که اعدام شده‌اند به اتهام «چیزهای بی‌معنی» اعدام شده‌اند (کیهان، شماره ۱۱۰۶۰، ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، ۲).

امید به موفقیت کودتای نقاب تا اندازه‌ای بود که بختیار و سایر عناصر ضدانقلاب اعلامیه پیروزی را تدوین و تکثیر کرده بودند (اطلاعات، شماره ۱۶۱۸۷، ۲۱ تیر ۱۳۵۹، ۹). بنا به گفته استوار دوم قایق‌فر: «قرار بر این بود که بعد از موفقیت کودتا یک دولت صد درصد نظامی روی کار بیاید و حکومت را به مدت دو سال در دست بگیرد و شخص بختیار بیاید» (کیهان، شماره ۱۱۰۴۴، ۲۳ تیر ۱۳۵۹، ۱۶). سپهد محققی و سرلشکر مهدیون و چند شخصیت دیگر در بازجویی خود هم بر این نکته تأکید کرده بودند که در صورت موفقیت کودتا، قرار بود بختیار به‌عنوان رئیس‌جمهور یک حکومت سوسیال‌دموکرات در کشور تشکیل دهند (اطلاعات، شماره ۱۶۱۸۹، ۲۳ تیر ۱۳۵۹، ۲). یکی از ابعاد دهشتناک این توطئه بمباران‌های مهیبی بود که در نقاط مختلف پرجمعیت مملکت می‌بایست انجام می‌شد تا از میان خرابه‌های حاصل از آن و در میان ضججه‌ها و فریادهای میلیون‌ها کودک و زن و مرد و پیر و جوان بی‌گناه دولت سوسیال‌دموکراسی خودشان را به ارمغان بیاورند و بعد حکومتی را بعد از دو سال به فراندوم بگذارند (کیهان، شماره ۱۱۰۶۰، ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، ۲).

هم‌زمان با شروع عملیات کودتا، قرار بود عراق به استان‌های مرزی تجاوز کند تا هم بهانه‌ای برای پرواز هواپیماهای کودتاگران به وجود بیاورد و هم نیروها را در مناطق مرزی به خود مشغول کند. سپس به‌طور هم‌زمان از زمین و هوا برنامه‌هایشان را اجرا کنند (اطلاعات، شماره ۱۶۱۸۷، ۲۱ تیر ۱۳۵۹، ۴). چند ساعت قبل از عملیات، هواپیماهای عراق جنگل‌های ایلام را بمباران کردند و رادیوهای عراقی برای کودتاچیان پیام رمز فرستادند (اطلاعات، شماره ۱۶۱۸۸، ۲۲ تیر ۱۳۵۹، ۱). کودتاگران از حیث تجهیزات کاملاً مسلح بودند (کیهان، شماره ۱۱۰۴۴، ۲۳ تیر ۱۳۵۹، ۱۶). با اینکه همهٔ جوانب در نظر گرفته شده بود درست در ساعاتی قبل از شروع، کودتا لو رفت. در جریان کودتای نوژه تعدادی از دستیاران شاپور بختیار در ایران دستگیر و محاکمه شدند. طبق گزارش دادستان کل انقلاب «حمیرا اسعد بختیاری فرزند بهمن اسعد بختیاری دستگیر شد. در بازرسی از محل کار حمیرا چند اعلامیه بختیار به دست آمده و در بازجویی مقدماتی اظهار داشتند که خط فکر شاپور بختیار را قبول دارم. اشخاص زیر از بستگان او می‌باشند که در رابطه با کودتا دستگیر شده‌اند. ابوالحسن بختیار سفیر فعلی ایران در کانادا، ابراهیم ضرغام سرهنگ نیروی هوایی، عباسقلی بختیار وزیر کابینه بختیار، احمد ضرغام، جمشید بختیار، فریدون ضرغام افسر نیروی زمینی، سیاوش صمصام، منیژه صمصام خانه‌دار» (مراسان؛ ش. بازیابی ۱۳۷۸۴: ۲۴). برخی از افراد مذکور مانند عباسقلی بختیار از کشور خارج شدند (مراسان؛ ش. بازیابی ۱۳۷۸۴: ۳۰). در بازرسی خانه وی اشیاء زیر مربوط به شاپور بختیار توقیف شد؛ ۱۵ قطعه فرش کوچک و بزرگ، ۱۷۲ تکه از قاشق چای‌خوری یا سینی و میوه‌خوری نقره و شبیه نقره و یک عصای مشکی (مراسان؛ ش. بازیابی ۱۳۷۸۴: ۲۳).

کودتای نوژه با محوریت شاپور بختیار اگرچه ناموفق بود اما به دلیل بسترسازی برای حمله رژیم بعث عراق به ایران، برای مجموعه نیروهای نظامی گران تمام شد. به‌نظر می‌رسد پیروز اصلی کودتای نوژه رژیم صدام حسین بوده است.

۴. تلاش نافرجام بختیار در نهضت مقاومت ملی

هنوز یک ماه از افشای توطئه نوژه نگذشته بود که روزنامه کیهان اطلاعاتی از نقشه‌های جداگانه شاپور بختیار با تعدادی دیگر از مخالفین جمهوری اسلامی فاش کرد. این روزنامه در یکی از شماره‌های خود نوشت: «آمریکا، اسرائیل، عراق و مصر با همکاری گروهی از خائنان و خودفروختگان داخلی (شاپور بختیار، هوشنگ نهاوندی، حسن نزیه و علی طباطبایی) با استفاده از پوشش یک شرکت بازرگانی در تدارک توطئه‌های جدید علیه انقلاب ایران هستند» (کیهان، شماره ۱۱۰۶۲، ۱۵ مرداد ۱۳۵۹، ۲). نتایج این توطئه اطلاعاتی در دست نیست اما این گروه در چهاردهم مرداد ۱۳۵۹ش در پاریس سازمان و تشکیلات نهضت مقاومت ملی را به وجود آوردند.

گویا نهضت مقاومت ملی توسط آژانس‌های جاسوسی غرب و با کمک‌های مالی و حمایتی آنان طراحی و سازمان‌دهی شد (مراسان؛ ش. بازیابی ۴۴۰۷۵: ۶۰). بختیار در سال‌های اقامت در فرانسه، یک رادیوی ضدانقلاب اسلامی راه‌اندازی کرد که از نظر محتوا و از نظر نحوه عمل به کلی با رادیوهای پیشین فرق داشت (مراسان؛ ش. بازیابی ۶۵۳۸: ۴). در نهضت مقاومت ملی نشریاتی با مدیرمسئولی بختیار برای مبارزه با انقلاب اسلامی ترتیب داده شد. نشریه نهضت از جمله این نشریات بود که نخستین شماره آن در ۲۳ مهر ۱۳۶۰ش در فرانسه منتشر شد و این هفته‌نامه بعدها جای خود را به *قیام/ایران* داد که همان اهداف را دنبال می‌کرد. یکی دیگر از نشریات *پیام/ایران* بود که از ۱۳۶۱ش به‌طور هفتگی در لس‌آنجلس آمریکا در ده برگ منتشر می‌شد. افزون بر موارد گفته‌شده نشریات *اعدام*، *آهنگ پیروزی*، *نقاب*، *مرغ طوفان*، *پیام/امروز* از جمله روزنامه و مجله‌هایی بودند که به‌نوعی از اهداف و استراتژی بختیار حمایت می‌کردند (مراسان؛ ش. بازیابی ۴۴۰۷۵: ۷۲). مدیریت این نشریات و ایستگاه رادیویی بدون حمایت مخالفان جمهوری اسلامی نمی‌توانست به مقصود خود برسد.

اصول فکری و برنامه سیاسی نهضت مقاومت ملی در جزوه‌ای با همین نام منتشر شد. این نهضت ضمن تأکید فراوان بر جدایی دین از سیاست، به تبعیت از بختیار بنیان اندیشه فلسفی و سیاسی خود را بر سه اصل اساسی میهن پرستی، آزادی و سوسیالیسم قرار داد (مراسان؛ ش. بازیابی ۴۴۰۷۵: ۵۶). با توجه به اسامی گفته شده و افراد دیگری همچون عبدالرحمن برومند، منوچهر رزم آرا و...، مشخص است که مرکز این تشکیلات تفاوت چندانی با محوریت کودتای نقاب نداشت.

برنامه ریزی شاپور بختیار برای یک طرح دیگر علیه جمهوری اسلامی در حالی بود که هنوز اختلافات و کشمکش‌های زیادی میان عناصری که در نقاب شرکت کرده بودند، وجود داشت. بسیاری از یاران بختیار بعد از شکست کودتای نقاب مخالف تشکیل نهضت مقاومت ملی بودند و از بختیار جدا شدند (شوکت، ۲۰۱۴: ۴۰۳-۴۰۵). نهضت مقاومت ملی انسجام و توان خویش را به دلایلی همچون اختلاف و شکاف میان اعضا، شکست عملی طرح‌ها و شعارهایی همچون «سال دیگر در ایران خواهیم بود»، «پایان جنگ»، «زمان سرنگونی جمهوری اسلامی است» و عدم استقبال مردمی از نهضت در داخل کشور و نیز ضربه‌های که از سوی نظام اسلامی بر عوامل و هسته‌های نهضت وارد آمده بود، از دست داد. بختیار مستأصل از تلاش‌های ناموفق خود هم‌زمان دست به اقدامی زد که موجب شگفتی حتی بسیاری از نزدیکان وی شد و آن همکاری و هماهنگی با قدرت‌های غربی و رژیم متجاوز بعث به بهانه سرنگونی جمهوری اسلامی بود.

۵. همکاری بختیار با صدام حسین در جنگ تحمیلی

تهاجم آشکار دولت عراق به ایران از اوایل ۱۳۵۸ش شروع شد. نخستین حمله عراق علیه ایران را باید در خرداد ۱۳۵۸ جست‌وجو کرد (اطلاعات، شماره ۱۵۸۷۲، ۱۶ خرداد ۱۳۵۸، ۲). چند روز بعد دو هواپیمای عراقی تا نود کیلومتری خاک ایران منطقه جوانرود تجاوز

کردند (اطلاعات، شماره ۱۵۸۷۵، ۲۰ خرداد ۱۳۵۸، ۳). در محیطی آکنده از آشفتگی سیاسی شاپور بختیار به همراه دیگر مخالفان جمهوری اسلامی بر آتش جنگ می‌دمیدند. این مقطع یکی از نقاط پرمجاده حیات سیاسی شاپور بختیار است.

یک سند فوق محرمانه در میان اسناد لانه جاسوسی وجود دارد که به همکاری پنهان شاپور بختیار در ۱۱ آبان ۱۳۵۸ با رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است (اسناد لانه جاسوسی ایران، ۱۳۸۶: ۴ / ۱۰۰). البته شاپور بختیار ترغیب صدام حسین برای جنگ با ایران را منکر شد و حتی ادعا کرد که مانعی برای جنگ صدام علیه ایران بوده است (یکرنگی، ۱۳۶۱: ۲۶۴). از میان صحبت‌های وی می‌توان به نادرستی این گفته پی برد، برای نمونه بختیار گفته بود: «برای نابودی جمهوری اسلامی از صدام حسین و دولت عراق تقاضای کمک کرده‌ام که آنان به تقاضای من جواب مثبت و قول هرگونه کمکی را داده‌اند» (کیهان، شماره ۱۱۰۵۷، ۷ مرداد ۱۳۵۹، ۴). او بر این باور بود که پیروزی عراق چندان طول نخواهد کشید زیرا «ایران اکنون نه پول دارد و نه نفت، درحالی که عراق از دوستی و حمایت بسیاری از دولت‌های عربی برخوردار است» (کیهان، شماره ۱۱۱۲۴، ۱ آبان ۱۳۵۹، ۱۴). شاپور بختیار با تصویری که از خطر جمهوری اسلامی برای کشورهای اسلامی ترسیم می‌کرد آنان را به جنگ علیه ایران سوق می‌داد.

از سوی دیگر، دوستان بختیار در حالی همکاری وی با صدام را شایعه می‌دانند که یک ماه قبل آغاز جنگ ایران و عراق، او در گفت‌وگو با روزنامه تایمز لندن در مورد روابطش با عراق گفته بود: «دو بار به عراق سفر کرده است و با عراق و دیگر کشورهای مسلمان نظرات مشترکی دارد» (اطلاعات، شماره ۱۶۲۰۵، ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، ۱۹). سیروس آموزگار در توجیه این سخنان بختیار گفته بود: «سفر بختیار به عراق برای راه‌اندازی رادیو بود». منوچهر رزم‌آرا پا را فراتر می‌گذارد و می‌گوید: «بختیار به صدام گفت که شدیداً مخالف حمله به ایران است». سیروس آموزگار به توصیه‌هایی اشاره می‌کند که اگرچه به گفته او برای حفظ

جان ایرانیان در جریان جنگ بود هرچند این موضوع، خود شاهدهی برای اثبات اتهام بختیار در خصوص همکاری با صدام است. آموزگار اذعان می‌کند: «بختیار به صدام توصیه کرده بود که با بمباران خارک و دیگر دستگاه‌ها درآمد ایرانیان کاهش می‌یابد از طرفی آدم کشته نمی‌شود (نک: رادیو فردا، مورخ ۱۳۹۵: ۲۹ شهریور). در شرح کامل ادعای آموزگار ذکر این نکته ضروری است «شاپور بختیار در اواسط ۱۳۶۲ش که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی موفق به آزادی خرمشهر شدند از راه‌های گوناگون عراق را به زدن جزیره خارک تشویق می‌کرد» (طالع، ۱۳۸۶: ۲۸۱). بدین گونه بود که بختیار خیانت خود را علنی کرد و در جهت ضربه‌زدن هرچه بیشتر، به سرزمین، منابع و اقتصاد ایران، صدام را به سمت بمباران تأسیسات جزیره خارک سوق داد.

یکی دیگر از افرادی که ادعا کرد شاپور بختیار در تلاش بوده که از جنگ ایران و عراق جلوگیری کند، «شهین تاج» همسر دوم بختیار بود (شوکت، ۲۰۱۴: ۴۰۲). تطهیر شاپور بختیار توسط دوستان و همسر وی کارساز نیست، چراکه در سال‌های اخیر با انتشار اسناد و اعتراف‌های مقامات رژیم بعث عراق تمام گفته‌های بختیار، همسر وی و دوستانش در مورد وطن‌پرستی و عدم همکاری با صدام حسین زیر سؤال رفته است اسناد به‌دست آمده نشان می‌دهند شاپور بختیار از مقامات بریتانیایی درخواست کرده بود که صدام حسین را برای سرنگونی جمهوری اسلامی متقاعد کنند (تفرشی، ۱۳۹۰: ۳). این ادعا در سال‌های اخیر از سوی برخی نزدیکان صدام مانند «حامد الجبوری» وزیر خارجه عراق در رسانه‌های عربی نیز تکرار شده است: «قبل از شروع جنگ شاپور بختیار در برخی جلساتی که با صدام انجام شد حضور داشت. تمامی این جلسات در این راستا بود که عملیات نظامی در ایران را به تفریح و گردش تشبیه کنند و این امر صدام را تشویق به شروع جنگ کرد» (نک: خبرگزاری تحلیلی خبرآنلاین، مورخ ۱۴۰۲: ۱۰ دی).

شاپور بختیار بهننگام حمله رژیم بعث به ایران از آمریکا هم درخواست کمک کرده بود. در این زمان بحران گروگان‌گیری، تهاجم شوروی به افغانستان و اختلافات روزافزون عراق با شوروی باعث شد روابط آمریکا با عراق گرم‌تر شود. بنا به گفته گری سیک دستیار ارشد کاخ سفید در امور ایران: «رهبران ایران می‌دانستند که ایالات متحده با برخی از اپوزیسیون نوظهور ایران که پیرامون آخرین نخست‌وزیر شاه جمع شده بودند، تماس دارد، برخی از آنها سرخود به صدام توصیه و او را تشویق می‌کردند که به ایران حمله کند... برخی دیگر در تبعید، مشغول آماده‌ساختن ارتشی هستند تا از هفت نقطه به ایران حمله کنند.» سیا ناراضیان ایرانی را منابع اطلاعاتی مفیدی می‌دانست. این سازمان در گزارشی که حاوی جزئیات درخواست دوم شاپور بختیار برای دیدار با مقامات بلندپایه آمریکا نیز بود، موضع ایالات متحده را به صراحت بیان کرده است: «آمریکا برای اقدامات بختیار راهنمایی، کمک یا بودجه تخصیص نخواهد داد، اما مشغول ایجاد کانال‌هایی است تا اطلاعاتی درباره اهداف و توانایی‌های او به دست آورد» (امری، ۱۳۹۷: ۳۱۳-۳۱۴). سیا هم به‌خوبی از دیدارهای پرشمار بختیار از بغداد آگاه بود. مقامات این کشور ابتدا با سکوت خود، چراغ سبز به بختیار نشان دادند که عراق را برای حمله به ایران تشویق کند.

شاپور بختیار معتقد بود ارتش ایران بعد از انقلاب ضربه سختی از تصفیه‌ها متحمل شده و توان مقاومت ندارند. نارضایتی عمومی از حکومت روحانیون اوج گرفته و حمله نظامی عراق زمینه فروپاشی را فراهم می‌کند. این تشویق و تحریک‌های بختیار در حالی بود که بنا به گفته یکی از افسران آمریکایی به نام ناخدا «توماس. ام. والی»، صدام حسین شش ماه قبل از آغاز جنگ ایران و عراق در زمستان ۱۳۵۸ش وحشت خود را از عواقب ناشی از انقلاب ایران برای شاپور بختیار فاش کرده بود (هفته‌نامه کیهان هوایی، ۲۵ تیر ۱۳۶۵). اما بختیار در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود می‌کوشید تا ایران را کشوری ورشکسته و ازهم‌پاشیده معرفی کند. پنتاگون از طریق شاپور بختیار گزارش‌های اطلاعاتی دستکاری‌شده به صدام داد.

محتوای این گزارش‌ها این بود که ارتش ایران از هم پاشیده است و در خوزستان و دیگر استان‌ها از قوای عراق به‌عنوان نیروهای آزادی‌بخش استقبال خواهد شد. سیل می‌گوید: «شاپور بختیار شخصاً به او گفته بود که قوای ایران ظرف سه روز شکست می‌خورند و بسیاری از اعراب ایرانی در حمایت از عراق به پا خواهند خواست (امری، ۱۳۹۷: ۳۰۱). افزون بر این شاپور بختیار ضمن حمایت از رژیم بعث گفته بود: «چرا باید عراق در خلیج فارس ساحل نداشته باشد اما ایران دارای بیش از دو هزار کیلومتر ساحل در این آبراه باشد» (کیهان هوایی، شماره ۹۲۳: ۴). بختیار حتی به کشتار ایرانی‌ها با اسلحه صدام اقرار می‌کند: «یک میلیون یا دو میلیون نفر در ایران بمیرند اشکال ندارد ایدئال ما ایدئال بزرگ‌تری است» (نک: رادیو فردا، مورخ ۱۳۹۵: ۲۹ شهریور). وی در سوم بهمن ۱۳۶۱ش در مصاحبه با روزنامه کویتی *السیاسه* جزایر سه‌گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) را متعلق به اعراب دانست و گفت نباید بر سر آنها با همسایگان خود کشمکش داشته باشیم (طالع، ۱۳۸۶: ۲۸۰). بختیار حاضر شد به‌طور رسمی، از بخش‌هایی از سرزمین ایران که موردنظر حکومت بعث عراق و دیگر حکام عرب منطقه بود، چشم‌پوشی کند.

بختیار حملات سربازان ایران را که به‌منظور دفاع و اجبار دشمن به خودداری از تجاوز صورت می‌گرفت محکوم می‌کرد. او در بیانیه‌ای گفته بود: «من همان‌گونه که از آغاز جنگ با تأکید بر اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تجاوز به خاک ایران را شدیداً و مکرراً محکوم نمودم، اقدام خطرناک و ماجراجویانه آخوند سفاک را با همان شدت محکوم می‌کنم» (رادیو ایران وابسته به بختیار، ۲۴ تیر ۱۳۶۱). علاوه بر موضع‌گیری‌های صریح بختیار علیه ایران، ردپای وی در ربودن هواپیمای ایرانی در ۱۷ شهریور ۱۳۶۳ وجود دارد. در این روز هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ از راه بندرعباس به تهران ربوده شد و در بصره به زمین نشست. سردستهٔ ربایندگان هواپیما خود را ستوان یکم طوفان معرفی کرد. او در مصاحبهٔ مطبوعاتی در بغداد خود را وابسته به گروه سلطنت‌طلب «جنبش برای آزادی و نوسازی

ایران» متعلق به شاپور بختیار معرفی کرده بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۲۰۰-۲۰۱). افزون بر این، بختیار پس از پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸ و تسخیر فاو طی تلگرافی به دبیر کل سازمان ملل متحد در ۲۶ بهمن ۱۳۶۴، ضمن محکوم کردن ادامه جنگ، از سازمان ملل می‌خواهد تا علیه جمهوری اسلامی اقدامی سریع شکل بگیرد (نشریه قیام ایران، شماره ۱۴، ۱ اسفند ۱۳۶۴). بختیار در ادامه حمایت از صدام، در سفری به لندن از شرکت‌های غربی خواست که از ارسال قطعات یدکی به ایران خودداری کنند تا دولت جمهوری اسلامی ایران بدین‌وسیله شکست بخورد (تلکس واحد مرکزی خبر، شماره ۷، ۶ اسفند ۱۳۶۲). در این رابطه وی در نامه‌ای به سران کشورهای صنعتی چنین درخواستی را تکرار می‌کند و طی مصاحبه‌ای با صدای آزاد ایران در تاریخ یکم آبان ۱۳۶۴ ش می‌گوید: «جنگ وقتی تمام می‌شود که آقای خمینی اسلحه نداشته باشد. اسلحه با پول به دست می‌آید. این پول فقط به‌وسیله فروش نفت تأمین می‌شود. اگر (امام) خمینی قادر نباشد که این مقدار نفت بفروشد امکان خرید اسلحه و امکان ادامه جنگ را از دست می‌دهد» (نشریه نهضت مقاومت ملی، شماره ۱۲۹).

در داخل ایران عناصر ضدانقلابی بودند که با شاپور بختیار در مسیر براندازی نظام جمهوری اسلامی همکاری می‌کردند. یکی از آنان فردی به نام «ابوالفضل قاسمی» بود. وی در زمینه ایجاد نارضایتی و جوّ بدبینی توسط نشر روزنامهٔ جبههٔ آزادی ارگان حزب ایران و تکثیر و پخش اعلامیه‌ها و نوارهای بختیار، همکاری صمیمانه با حزب خلق مسلمان، ایجاد آشوب در کشور و همکاری با ساواک منحلّه با شاپور بختیار همکاری کرد (مراسان؛ ش. بازیابی ۱۷۹۳۵: ۲).

بختیار بعد از پایان جنگ تحمیلی هم‌دست از کارشکنی و مبارزه با جمهوری اسلامی برنداشت. طبق اسناد به‌دست‌آمده در روزهای پایانی سال ۱۳۶۸ گروهک وابسته به بختیار در پیامی از مردم خواستند برای اعتراض به حکومت به پارک‌های شهر بروند. در این پیام آمده

بود که پیام بختیار در ۲۹ اسفند از فرستنده‌های رادیو ایران پخش خواهد شد (مراسان؛ ش. بازیابی ۶۵۶۲: ۱). تلاش‌های نافرجام بختیار و دیگر مخالفان انقلاب اسلامی ایران به خوبی گویای این است که انقلاب یک حادثه و اتفاق سیاسی و یا یک جابجایی صرف قدرت نبود بلکه گفتمان جدیدی بود که ملل منطقه را برای مبارزه با استعمارگران و استقلال واقعی امیدوار ساخته بود. این گفتمان به راهبرد جدید ملل منطقه و مسلمانان در سراسر جهان تبدیل شد و به خصوص نقش مهمی در احیای حقوق فلسطینیان داشت.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه ایرانی در سال ۱۳۵۷، چنین استنباط می‌شود که شاپور بختیار از اوضاع ایران درک دقیقی نداشت. با وجود آنکه جامعه مدنی ایران او را تأیید نمی‌کرد اما وعده سقوط نظام جمهوری اسلامی و بازگشت به ایران را در پیام‌های خود ارسال می‌کرد. شاپور بختیار بعد از خروج از ایران مخالفان جمهوری اسلامی را با خود همراه ساخت و اقدامات خرابکارانه‌ای علیه برنامه سیاسی و مذهبی امام خمینی آغاز کرد. وی در تلاش برای جلب نظر آمریکا برآمد و پیشنهادهای متعددی برای تضعیف ایران به این کشور ارائه داد. شاپور بختیار با تکیه بر سخنرانی در مجالس، مصاحبه با سایت‌ها و روزنامه‌های گوناگون، پخش هزاران اعلامیه و نوار کاست به‌ویژه در مرزهای غربی و جنوبی و جذب مخالفان جمهوری اسلامی برآن بود که افکار عمومی را بر ضد جمهوری اسلامی برانگیزد. افزون بر این در نهضت مقاومت ملی نشریاتی با مدیریت او برای مبارزه با انقلاب اسلامی ترتیب داده شد.

شاپور بختیار به همکاری با کُردهای مخالف جمهوری اسلامی پرداخت. آنان توانستند عملیات‌هایی در خوزستان از محدوده ایلام و موسیان تا گچساران انجام دهند. ناآرامی در خوزستان، انفجار بمب در معابر عمومی، انهدام لوله‌های نفت و ایجاد درگیری در سطح

شهرها و سلب امنیت از دیگر فعالیت‌های او علیه جمهوری اسلامی بود. انفجار بمب‌های دستی و نارنجک و پخش اعلامیه در تهران از دیگر اقداماتی بود که در جهت بی‌ثباتی اوضاع به دستور شاپور بختیار صورت گرفت.

شاپور بختیار خلاف چهره ملی‌گرایی که از خود بروز داد، نه تنها به تمامیت ارضی ایران توجهی نداشت بلکه حتی حاضر شد به‌طور رسمی از بخش‌هایی از سرزمین ایران که مورد نظر حکومت بعث عراق و دیگر حکام عرب منطقه بود، چشم‌پوشی کند. با تاسیس پایگاه‌های نظامی در عراق افرادی را برای خرابکاری در ایران آموزش می‌داد. با توجه به اسناد به‌دست‌آمده ارتباط شاپور بختیار با رژیم بعث عراق و برخی دیگر از کشورهای عربی و آمریکا روشن شد افزون بر این نقش و دامنه دخالتش در کودتای نوژه محرز گردید. به‌رغم تلاش‌ها و اقدامات، شاپور بختیار به دلیل فقدان شناخت عمیق و درست از جامعه ایران و ماهیت انقلاب اسلامی نتوانست به هدف اصلی خود که سرنگونی انقلاب و بازگشت به ایران و کسب قدرت نائل آید و سرنوشت وی مثل بسیاری دیگر از مخالفان انقلاب جز شکست و مرگ نبود.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، ش؛ بازیابی: ۵۷۲۳، ۴۴۰۷۵، ۶۵۳۸۰، ۱۷۹۳۵، ۶۵۶۲، ۱۳۷۸۴.

اسناد لانه جاسوسی ایران، ج ۲، ۳، ۴، ۶، ۱۰ تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶.

ب) کتاب

استمپل، جان. دی، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی

رسا، ۱۳۷۷.

فعالیت‌های سیاسی شاپور بختیار در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران..... ۳۵

امری، کریستین، سیاست خارجی آمریکا و انقلاب ایران، ترجمه محمد شمس‌الدین عبداللہی‌نژاد، تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.

امیرعلائی، شمس‌الدین، در راه انقلاب و دشواری‌های مأموریت من در فرانسه، تهران: دهخدا، ۱۳۶۲.

سرابندی، محمدرضا، کودتای شب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

شوکت، حمید، پرواز در ظلمت (زندگانی سیاسی شاپور بختیار)، آلمان: نشر بازتاب، ۲۰۱۴.

طالع، هوشنگ، تاریخ تجزیه ایران، مرزهای باختری ایران، دفتر سوم، لنگرود: سمرقند، ۱۳۸۶.

غضنفری، کامران، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران: کیا، ۱۳۸۰.

کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۶۸.

گازیوروسکی، مارک، کودتای ایرانی، ۲۸ مرداد، قرنی، نوژه، ترجمه بهرننگ رجبی، تهران: چشمه، ۱۳۹۷.

الموتی، مصطفی، بازیگران سیاسی از مشروطیت تا سال ۱۳۵۷ (روزشمار زندگی نخست‌وزیران

ایران از امیر اسدالله علم تا دکتر شاپور بختیار)، ج ۳، لندن: چاپ پکا، ۱۳۷۵.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، به سوی سرنوشت (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳)، به اهتمام محسن

هاشمی، تهران: معارف انقلاب، ۱۳۸۶.

پ) مقاله

تفرشی، مجید، «بختیار در آینه اسناد تازه‌آزادشده در آرشیو ملی بریتانیا»، سایت تاریخ ایرانی،

۱۳۹۰.

ت) سایت‌های الکترونیکی

<https://www.radiofarda.com/a/fk-bakhtiar-article10/27950956.html>

<https://www.radiofarda.com/a/fk-bakhtiar-article10/27950956.html>

<https://www.radiofarda.com/a/fk-bakhtiar-article10/27950956.html> ؛

khabaronline.ir/xkMGb

ج) نشریات

- اطلاعات، ۱۶ خرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۷۲.
- اطلاعات، ۲۰ خرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۷۵.
- اطلاعات، ۱ تیر ۱۳۵۹، شماره ۱۶۱۷۱.
- اطلاعات، ۱۰ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۵۹۱۹.
- اطلاعات، ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۶۲۰۵.
- اطلاعات، ۱۶ آبان ۱۳۵۸، شماره ۱۵۹۹۶.
- اطلاعات، ۱ بهمن ۱۳۵۸، شماره ۱۶۰۵۵.
- اطلاعات، ۳ تیر ۱۳۵۹، شماره ۱۶۱۷۳.
- اطلاعات، ۲۱ تیر ۱۳۵۹، شماره ۱۶۱۸۷.
- اطلاعات، ۲۲ تیر ۱۳۵۹، شماره ۱۶۱۸۸.
- اطلاعات، ۲۳ تیر ۱۳۵۹، شماره ۱۶۱۸۹.
- اطلاعات، ۲۵ تیر ۱۳۵۹، شماره ۱۶۱۹۱.
- اطلاعات، ۶ شهریور ۱۳۵۹، شماره ۱۶۲۲۵.
- اطلاعات، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۹، شماره ۱۶۱۳۹.
- تلکس واحد مرکزی خبر، ۶ اسفند ۱۳۶۲، شماره ۷.
- راديو ايران وابسته به بختيار، ۲۴ تير ۱۳۶۱ .
- کيهان هوایی، شماره ۹۲۳.
- کيهان، ۹ اردیبهشت ۱۳۵۹، شماره ۱۰۹۸۴.
- کيهان، ۲۹ خرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۱۰۲۴.
- کيهان، ۲۳ تير ۱۳۵۹، شماره ۱۱۰۴۴.
- کيهان، ۱ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۱۰۵۲.
- کيهان، ۷ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۱۰۵۷.
- کيهان، ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۱۰۶۰.
- کيهان، ۱۵ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۱۰۶۲.

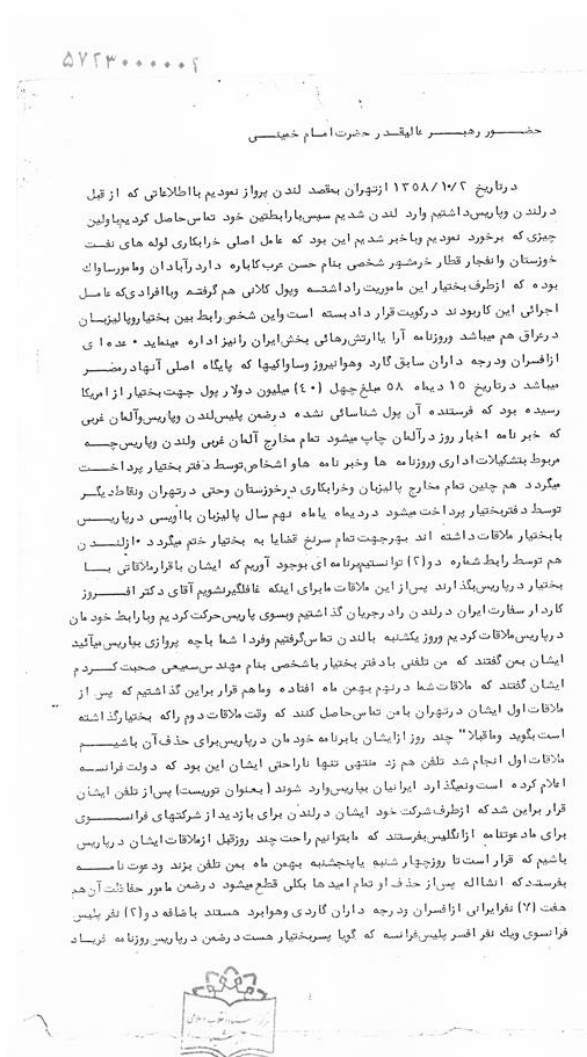
کیهان، آبان ۱۳۵۹، شماره ۱۱۱۲۴.

نشریه قیام ایران، ۱ اسفند ۱۳۶۴، شماره ۱۴.

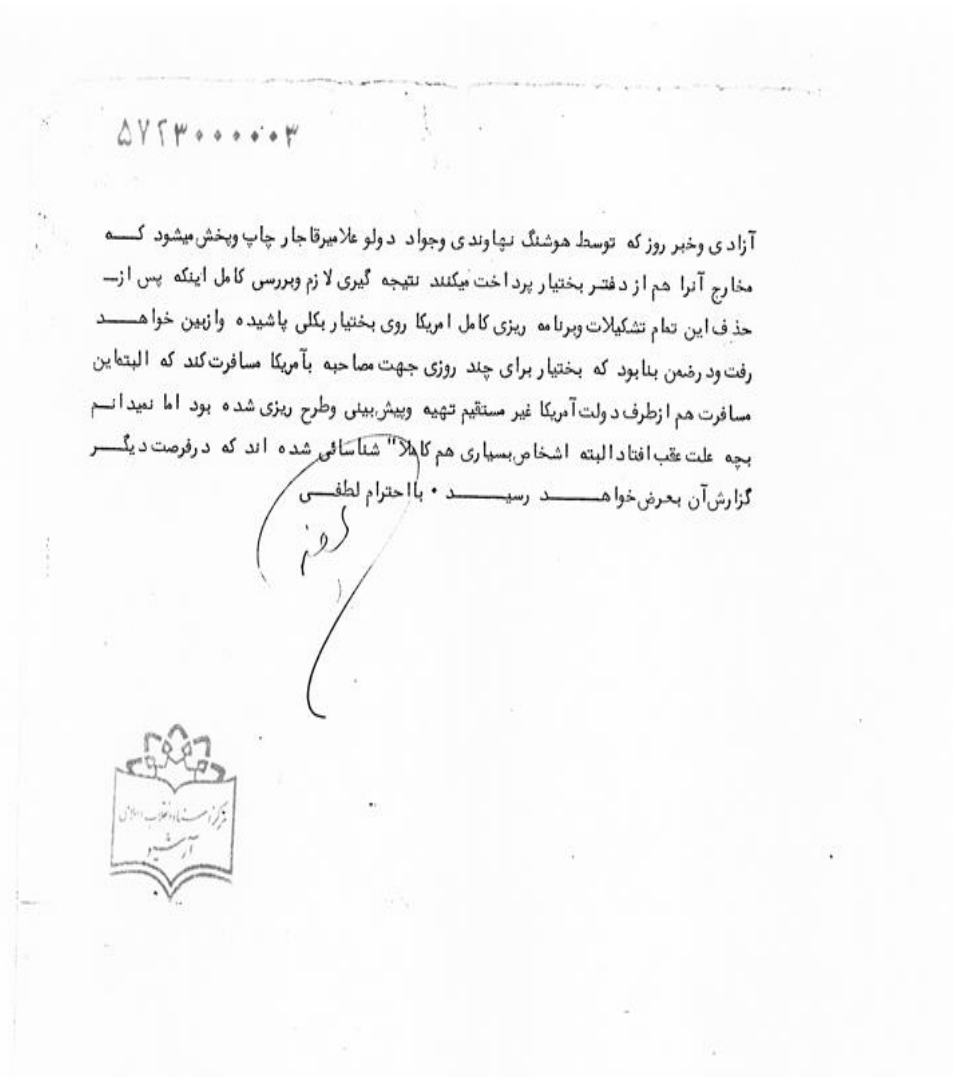
نشریه نهضت مقاومت ملی، شماره ۱۲۹.

هفته نامه کیهان هوایی، ۲۵ تیر ۱۳۶۵.

پیوست‌ها



سند (۱): کارشکنی شاپور بختیار برای ایجاد آشوب در خوزستان (مراسان؛ ش ۵۷۲۳).



سند (۲): کارشکنی شاپور بختیار برای ایجاد آشوب در خوزستان (مراسان؛ ش ۵۷۲۳).

۵۷۲۳۰۰۰۰۰۰۷

بسم الله الرحمن الرحیم

گزارش ویژه - محرمانه
موضوع: بررسی توسط هیئت حکومت جمهوری اسلامی ایران
گروه کارگزاران گزین

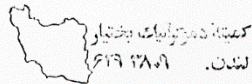
حضرت امام خمینی پیرایه‌ی ما، انور و ستاره‌ی ما، در سبب عظیم این سرافرازان
عالیجناب دکتر ابوالفتح محمد باقر خرمی، جمهوری اسلامی ایران
عالیجناب آقای دکتر زهره زین‌العابدین در محضر شریفه - گروه گزین
عالیجناب بانج . پیرانظر به صبح حضرت امام که بر گرفته شد عبادت نمودند و در پی راهی رفیع از گزین
میستادند و طغیان خود را سرکوب نمودند. در این مأموریت قبلاً در تهران یک باب امام آموزش و
با اطلاع آقای دکتر فریاد غنچه با زهد و پویایی از سخن گفتند و عمل خود را تقدیم ایران که
رفیع از گزین به شهری شایسته و پویا بود. با نظریات علمی و راهبردی و همچنین در
ایران (پاریس - لندن - روم) در تاریخ ۲۰ - ۱۱ - ۵۸ برای اولین بار (گزارش مأموریت
فخیمه) در تهران شده است. در لندن و فراموش
پس از گزارش آقای مامورین در اولین مأموریت گزین در تاریخ ۱۲ - ۱۱ - ۵۸ از سید بن غلامی ایمن
از آنرا که در راه پاریس شده به سبب آنکه آقای ناصر و دیگران در تهران از آنرا که در راه پاریس
روزی کار در پاریس بود و آنها همه ای نظامی تشکیل می‌دهند؛ شایسته و خردمند، با صفت
بسیار، همه در دستهای این گزین و در این حالت از آن غلامی ایمن - ناصر - مقرران پاریس در راه پاریس شده و
حرفه؛ اینها سابق و تمامی نام حسن عرب با طرز فتنه و در ادامه گم گشتن می‌لاند.



سند (۳): زمینه چینی شاپور بختیار برای ایجاد ناآرامی در مرز کردستان و خوزستان (مراسان؛

ش ۵۷۲۳).

۵۷۲۳۰۰۰۰۰۰۴



روزنامه تایمز - لندن
دوشنبه ۹ فوریه ۱۹۸۰

مخاطبه آقای دکتر شاپور بختیار با چارلز داکلاس هم

آقای دکتر شاپور بختیار نخست وزیر سابق ایران که قبل از برکناری توسط خمینی توانسته بود شاه را متقاعد به ترک کشور نماید میگوید:

در تدارک برگشتن هزینه زود تر به ایران است تا به مبارزه خود بازیم خمینی ادامه دهد. او بیسایم مخصوص توسط نوار جهت توزیع بین افراد ارتش ایران فرستاده است که تعداد سه هزار نسخه از آن پخش ویا عکس العمل کاملاً موافق از طرف واحدهای ارتش مواجه شده است.

نامبرده به خبرنگار تایمز گفت که به من اطلاع داده شده تعداد بیشماری از افسران و سربازان ارتش پس از شنیدن پیام گریستند.

هدف من ایجاد حس امید واری و وحدت در میان افراد ارتش و شناخت اینکه چون خمینی نمیتواند کشور را اداره کند باید هزینه زود تر کناره گیری نماید میباشد.

آقای بختیار در مورد چگونگی وزیان مراجعت خود به ایران اطلاع دقیقی نداد. نامبرده اضافه کرد:

آقای خمینی برای آمدن به ایران منتظر شد تا که شاه کشور را ترک کند ولی من منتظر نخواهم شد که او بیرون آنگاه به ایران مراجعت کنم زیرا چنانچه پس از پیدایش خلا که در واقع این حادثه بوجود خواهد آمد به ایران بازگردم خطر اینکه حزب توده (کمونیست) از این خلا سوء استفاده نماید زیاد است.

به این دلیل باید با ایجاد عوامل مختلفی در داخل کشور قبل از سقوط رژیم خمینی خود را کاملاً آماده نمائیم.

رژیم خود کما که کمونی رویه شکست میباشد و بسیاری از مردم از دست خمینی و هج و مرج کمونی بختیار آید.

آقای بختیار متذکر شد که ممکن است من با قباله مسلحانه روبرو شوم اما مانیز مسلح میباشد.

نامبرده اظهار داشت که از همان اوان که بعنوان نخست وزیر کار گذاشته شد شروع به فرستادن پیام توسط نوار نموده است.

حتی تعدادی از پیام های اولیه در زمانیکه در تهران سخن بود تهیه و توزیع گردیده است.

در طول این زمان او هرگز محل اختلاف خود را ترک نکرده تا اینکه توسط هواپیما به مقصد پاریس با مدارک و ظاهری نا آشنا تهران را ترک نمود.

این در زمانی بود که از آمدن خمینی چند ماهی میگذشت.

از آن پس نامبرده فعالیت سیاسی خود را در آرزمانی که از طرف پلیس فرانسه حفاظت میشود در محله نیولی پاریس ادامه میدهد.

آقای بختیار اظهار میدارد:

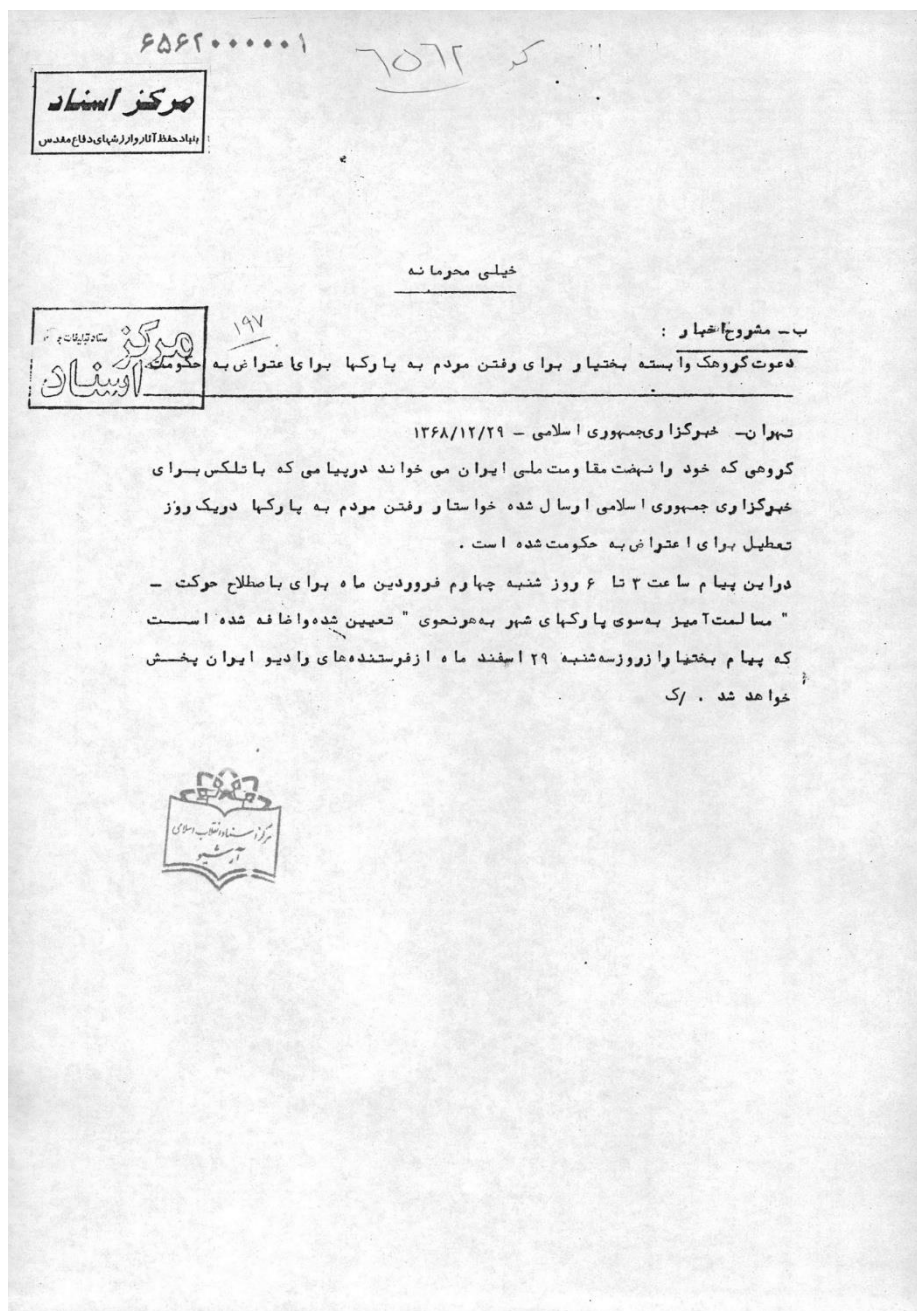
آنچه که من در مورد آمدن خمینی به ایران پیش بینی میکردم متأسفانه به وقوع پیوسته و مملکت در حال متلاشی شدن و انزوا بسر میرود.

من باید چند ماهی صبر میکردم تا مردم به تجربه دریابند که خمینی قادر به هدایت کشور و برقراری امنیت و شکوفائی مملکت نمیشد و امروز برهنگان روشن شده است که خمینی هر روز در اجرای امور مملکت شکست های پی در پی میخورد.

در آغاز مردم فکر میکردند که خمینی آدم خارق العاده ای میباشد ولی امروز به چشم میبینند که او انسان تشنه به خون است که سعی بر این دارد مردم را با توسل به اعمال احمقانه از قبیل مسئله سفارت آمریکا تحت تاثیر قرار دهد.



سند (۵): گفت و گو شاپور بختیار با روزنامه تایمز - لندن علیه جمهوری اسلامی (مراسان؛ ش



سند (۶): کارشکنی شاپور بختیار علیه جمهوری اسلامی در روزهای پایانی ۱۳۶۸ (مراسان؛

ش ۶۵۶۲).

۱۳۷۸۴۰۰۰۲۴

دانشان انقلاب
جمهوری اسلامی ایران



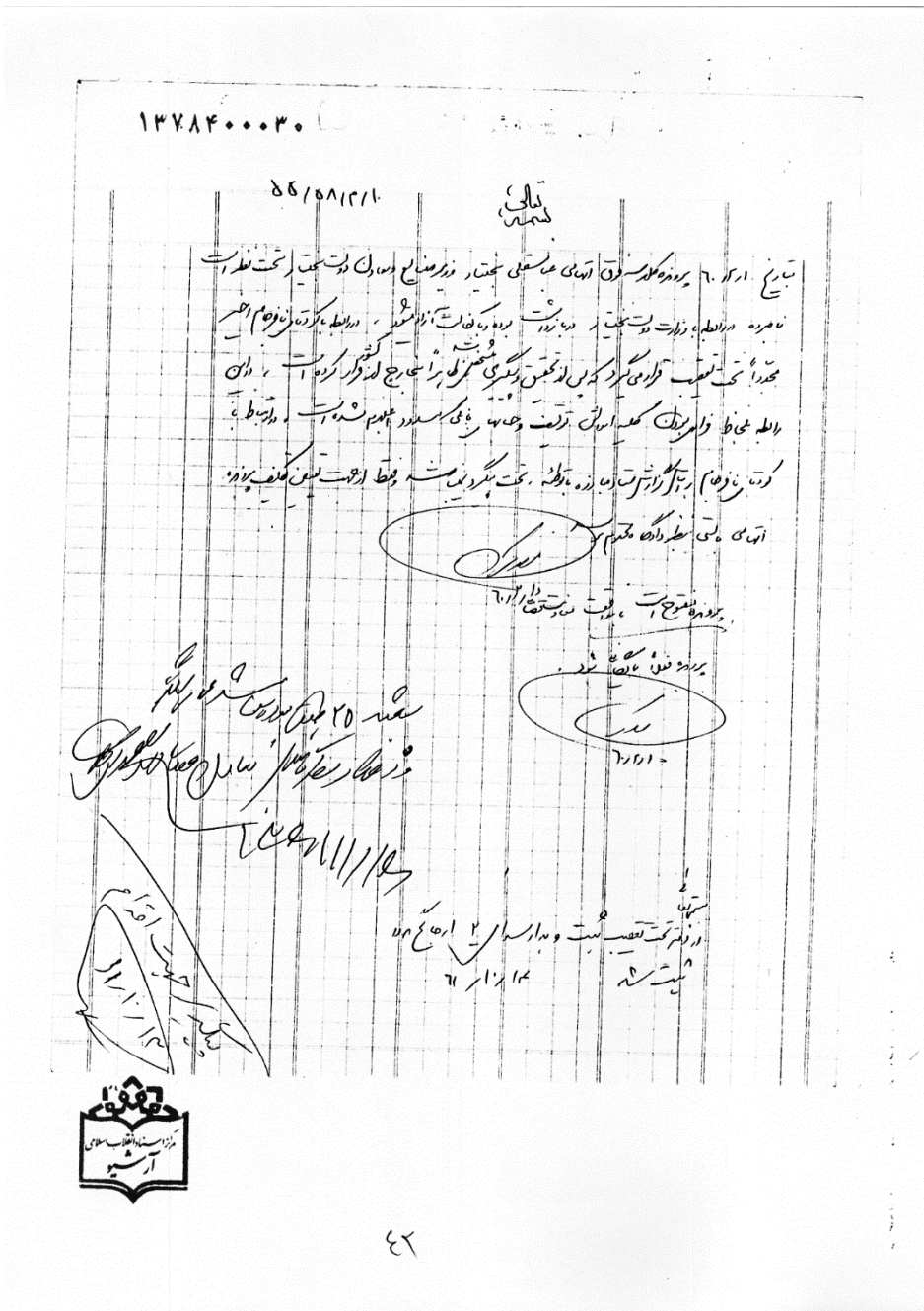
پنج
شماره

پیت

برگوان سلام. در سوره حمزه اسمعینجاکی. خرد به حسن اسمعینجاکی. در روابط با این از
 عوامل مهرشیم. دستگیر شده. بنا بر صورت فی جی می. صفا سامبلاوس. یازدهمی
 در عمل کارها. حیدر اعلامیه. مجتهد. بهرت آمده. در بازگشتی سفارتی. اظهار عطف
 دارند. که خط مرس عبور مجتهد را از قبل در اسم. و به رسم بهت. هم ماه در زندان
 اوین بود. و در کشفاتی که مجتهد را اولی آمد. (اسم ص. زیر. از سفارتی او سفیر شده
 که در رابط با کودتا دستگیر شده اند. به این ترتیب از این افراد در صورت امکان برگوان غیر آنگر در باره فعالیت
 ۱- البرا محسن مجتهد. سفیر نظامی ایران در کانادا. همکاران خود مجتهد را به دستگیر کردن او مجتهد را. بعد از آن برگوان
 ۲- عباسعلی مجتهد. در کانادا مجتهد
 ۳- ابراهیم صرغام. سرگت مزد اسلامی
 ۴- احمد صرغام
 ۵- عبید مجتهد
 ۶- زینل مجتهد (ص. ۱۰۰) - از تهران
 ۷- سعید صرغام
 ۱- نیو صرغام - خانه دار



سند (۷): اسامی برخی از دستیاران شاپور بختیار در جریان کودتای نوژه در ایران (مراسان؛ ش ۱۳۷۸۴).



۱۳۷۸۴۰۰۰۲۳

تاریخ ۲۴، ۴، ۵۹
شماره

بیت‌المقدس

دادستانی کل
جمهوری اسلامی ایران

آریا زرتی در صبحان مرید بهر بختیار
به انبار تحویل گردید
آیا نژاد، قصه فرسودگی و برادر
آیا بکعبه و بنفشه اردو و کله از فاش خورشید نایب و
آیا میوه خورشید و سینه فقر و بید عصای مشکلی
در قبیح استند است و فوق از منزل عباس علی بختیار آورده
خروج

۲۴، ۴، ۵۹
مسئول تدارکات زندان اولی
تاریخ ۱۳۵۸
جمهوری عدل اسلامی



سند (۹): خروج عباس‌قلی بختیار از کشور و توقیف اموال شاپور بختیار از منزل وی (مراسان؛

ش ۱۳۷۸۴).